Archive of SID.ir

فصلنامه علمی پژوهشی
دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت
دوره ۱۲/ شماره ۳ (پیاپی ٤٧)/ پائیز ۱٤۰۲
صفحه ۳۹۱ تا ٤۰۶

فراتحلیل حاکمیت شرکتی و افشای اطلاعات شرکت

بهروز قاسمی پور
دانشجوی دکتری گروه حسابداری، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران
ghasemipourbehrooz@yahoo.com

فایق احمدی
گروه مدیریت مالی و حسابداری، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران (نویسنده مسئول)
faeyhahmadi@ymail.com

حمیدرضا وکیلی فرد
گروه حسابداری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
vakilifard.phd@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۶/۳۱ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۷/۳۰

چکیده

در این پژوهش به منظور جمع‌بندی دقیق‌تر نتایج متضاد مطالعات متعدد انجام شده در زمینه تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر افشای اطلاعات شرکت، از روش فرا تحلیل (متاآنالیز) استفاده شده است. این روش روی نمونه‌ای شامل ۶۲ مطالعه، مشتمل بر ۴۲ مطالعه خارجی در دوره زمانی ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۹ و ۲۰ مطالعه داخلی طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۷ اجرا شد. متغیرهای مستقل سه دسته هیئت‌مدیره (استقلال و اندازه هیئت‌مدیره، دوگانگی نقش مدیر ارشد اجرایی) و ساختار مالکیت (مالکیت داخلی و مالکیت نهادی) در نظر گرفته شد و افشای اطلاعات شرکت، متغیر وابسته مدنظر قرار گرفت. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که از بین سازوکارهای هیئت‌مدیره تنها استقلال و اندازه هیئت‌مدیره بر افشای اطلاعات شرکت تاثیر مثبت و معناداری دارد و دوگانگی وظیفه مدیرعامل تاثیر منفی و معناداری بر افشای اطلاعات شرکت دارد. از سویی، ساختار مالکیت بر کیفیت افشای اطلاعات شرکت تاثیر مثبت و معناداری دارد.

واژه‌های کلیدی: حاکمیت شرکتی، افشای اطلاعات شرکت، هیئت‌مدیره.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۱- مقدمه

با توجه به آنکه نظریه‌های افشای اطلاعات نشان‌دهنده ارتباط مثبت بین حاکمیت شرکتی و افشای اطلاعات شرکت است؛ بااین‌وجود؛ هنوز تحقیقات متفاوتی توسط محققان ارائه می‌گردد. امروزه کمتر کسی اهمیت شفافیت اطلاعات مالی شرکت‌ها را نادیده می‌گیرد؛ زیرا تصمیم‌گیری درست برای سرمایه‌گذاری در بنگاه‌های اقتصادی و تخصیص بهینهٔ منابع کمیاب در جامعه، مستلزم وجود اطلاعات مالی شفاف و قابل مقایسه است (وانگ و حسین، ۲۰۱۳). استفاده‌کنندگان از اطلاعات مالی، به‌خصوص سرمایه‌گذاران برای تصمیم‌گیری در زمینهٔ خرید و فروش سهام، ارزیابی عملکرد مدیران و دیگر تصمیم‌های اقتصادی مهم به اطلاعات مالی نیاز دارند (قربانی و همکاران، ۱۳۹۲). وجود اطلاعات مالی شفاف و قابل مقایسه، همچنین رکن اصلی پاسخگویی و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی آگاهانه و از ملزومات بی‌بدیل توسعهٔ اقتصادی (کمیته تدوین استانداردهای حسابداری، ۱۳۸۵) و دستیابی به یک بازار سرمایهٔ کارا، به‌شمار می‌رود. افزون بر این، افشای اطلاعات، پیامدهای اقتصادی متعددی ازجمله بهبود نقدشوندگی سهام در بازار سرمایه، کاهش هزینهٔ سرمایهٔ شرکت‌ها و افزایش کاربران و افزایش توان پیش‌بینی استفاده‌کنندگان از اطلاعات را به‌دنبال دارد که این موارد درنهایت منجر به افزایش ارزش شرکت می‌شود (پورحیدری و حسین پور، ۱۳۹۱). شفافیت و افشا از کارکردهای اصلی حسابداری و اجزای اساسی حاکمیت شرکتی است (هرمالین و ویسبریچ، ۲۰۱۰). به عقیدهٔ ساموئل و همکاران (۲۰۰۲)، کیفیت افشا میزان اطلاعاتی است که از سوی شرکت‌ها در متن صورت‌های مالی اساسی یا در یادداشت‌های همراه برای کمک به تصمیم‌گیری ارائه می‌شود، این اطلاعات توضیحات مفصلی را در مورد وضعیت مالی و نتایج حاصل از عملکرد آن ارائه می‌کند. شفافیت اطلاعات مالی از جنبهٔ اقتصادی نیز اهمیت دارد، زیرا باعث بهبود تخصیص منابع می‌شود و یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در ایجاد شرایط رقابت کامل و ایجاد فرصت‌های برابر در این بازار است. نقصان اطلاعات شفاف در بازار موجب افزایش هزینهٔ معاملات و شکست بازار خواهد شد. از این‌رو، در بسیاری از شکست‌های اخیر بازار سرمایه، نبود شفافیت، یکی از عوامل تأثیرگذار قلمداد شده است. به عقیدهٔ آزوفرا (۲۰۰۷) و چنگ و همکاران (۲۰۰۶)، کیفیت پایین افشای اطلاعات علاوه بر اینکه موجب گمراهی سرمایه‌گذاران می‌شود، اثر نامطلوبی بر سرمایه و ثروت سرمایه‌گذاران دارد و باعث تخصیص ناکارآمد منابع و انتقال نامناسب ثروت و درنتیجه از دست دادن سرمایه‌گذاران می‌شود؛ اما دسترسی به اطلاعات افشاشده باکیفیت، نیازمند وجود سازوکارهایی خاص است. از جملهٔ این سازوکارها بودن سامانهٔ حاکمیت شرکتی مناسب در سطح شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی است که بیشتر کشورها به تقویت و بهبود آن همت گمارده‌اند. راهبری مناسب موجبات افشای گزارشگری به‌موقع و باکیفیت ازسوی شرکت‌ها را فراهم می‌کند. هدف نظام حاکمیت شرکت‌ها اطمینان از وقوع‌نیافتن رفتار فرصت‌طلبانه است که از طریق کاهش مشکلات نمایندگی و اطلاعات نامتقارن بالقوه بین نماینده (مدیر) و ذی‌نفعان مختلف (سهامداران، اعتباردهندگان و...) تحقق می‌یابد (نمازی و همکاران، ۱۳۹۳). کاهش این‌گونه مشکلات باعث افزایش رغبت سهامداران به معامله در این بازارها و افزایش نقدشوندگی سهام در بازار می‌شود. افشانکردن به‌موقع و صحیح منجر به افزایش هزینهٔ انتخاب نامطلوب و خطر اخلاقی به‌عنوان عناصر حاصل از عدم تقارن اطلاعاتی و درنهایت افزایش هزینهٔ مبادله می‌شود (بینر و همکاران، ۲۰۱۱؛ گیرود و مویلر، ۲۰۱۱). طی دو دههٔ اخیر، تلاش‌هایی برای رتبه‌بندی شرکت‌ها از دیدگاه نظام حاکمیت شرکتی صورت گرفته است و شاخص‌هایی برای سنجش کیفیت این نظام طراحی و ایجاد شده است. رتبه‌بندی شرکت‌ها از دیدگاه کیفیت نظام راهبری با استفاده از معیارهای مستخرج از اصول و ساختارهای نظام حاکمیت شرکتی باعث ارائهٔ اطلاعات شفاف دربارهٔ شرکت‌ها می‌شود و اطلاعات لازم را برای مقایسه به‌وسیلهٔ استفاده‌کنندگان فراهم می‌کند. ارائهٔ نتیجهٔ کیفیت حاکمیت شرکت‌ها علاوه بر افزایش سطح دانش عمومی استفاده‌کنندگان نسبت به چارچوب‌ها و کارکردهای نظام حاکمیت شرکتی، موجب شکل‌گیری انتظارات مؤثر و تقاضای عمومی برای ارتقای کیفیت حاکمیت شرکتی در شرکت‌ها می‌شود. این امر درنهایت، به افزایش شفافیت و رعایت بیشتر حقوق سهامداران منجر خواهد شد (حساس یگانه، ۱۳۹۰).

در سال‌های اخیر به دنبال رسوایی‌های مالی شرکت‌هایی از قبیل وردکام و انرون در ایالات متحده و بخرآن‌های مالی اروپا، کیفیت و قابلیت اتکای گزارشگری مالی و حرفه حسابرسی در مظان سوءظن و اتهام واقع شده است؛ و نقش کمیته حسابرسی در فرآیند گزارشگری مالی توجه تدوین‌کنندگان مقررات را به‌طور فزاینده‌ای به خود جلب کرده است (تختائی و همکاران، ۱۳۹۰). کمیته حسابرسی یکی از مکانیزم‌های نظارتی موثر برای بهبود کیفیت افشا سیستم کنترل داخلی است که به کاهش هزینه نمایندگی کمک می کند (فورکر، ۱۹۹۲). ویژگی‌های کمیته حسابرسی از قبیل استقلال، اندازه، تعداد جلسات و مهارت اعضای کمیته برای اثربخشی کمیته حسابرسی اهمیت زیادی دارند. نتایج مطالعات پیشین نشان می‌دهد که ویژگی‌های واقعی کمیته حسابرسی برای اثربخش بودن کمیته در انجام وظایفش حیاتی است (الزبان و ساوان، ۲۰۱۵؛ ابوت و همکاران،

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۲۰۰۳). علاوه براین مدیران غیرموظف نیز می‌توانند با درک درست نقش نظارتی و راهبری خود، سلامت بنگاه را به ارمغان آورده و مانع تضاد منافع بین بازیگران نظام حاکمیت شرکتی شوند. لذا برپایه این استدلال، در پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این سوال خواهیم بود که آیا حاکمیت شرکتی و مدیریت سود بر کیفیت افشای اطلاعات با استفاده از روش فرا تحلیل تاثیرگذار است یا خیر؟

بنابراین، پژوهش حاضر درصدد است که رابطه بین اثر حاکمیت شرکتی بر افشای اطلاعات شرکت، موردبررسی قرار گیرد. یافته‌های پژوهش ضمن آن‌که موجب توسعه ادبیات نظری در حوزه حاکمیت شرکتی به عنوان یک عامل نظارتی می‌شود، می‌تواند موجب درک بهتر سرمایه‌گذاران، قانون‌گذاران بازار سرمایه و سایر استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری از تأثیر حاکمیت شرکتی بر افشای اطلاعات شرکت بر رونق بازار سرمایه گشته و در امر تصمیم‌گیری آنان راهگشا باشد.

مبانی نظری و تدوین فرضیه پژوهش

بازارهای نوظهور به دلیل درجه رشد اقتصادی بالا موردتوجه شرکت‌های بین‌المللی، سرمایه‌گذاران قرارگرفته‌اند. بااین‌وجود، آن‌ها رویه‌های حمایتی ضعیفی برای سرمایه‌گذاران به‌ویژه سهامداران اقلیت دارند. همچنین عدم تقارن اطلاعاتی بالایی بین مدیران و سرمایه‌گذاران آن‌ها وجود دارد و سطح افشای ضعیف‌تری نسبت به بازارهای اقتصادهای توسعه‌یافته دارند (الفکی، ۲۰۱۷). عدم تقارن اطلاعاتی ازجمله مشکلاتی است که رابطه نماینده و مالک را تحت تأثیر قرار می‌دهد. فرض بر این است که مدیریت به خاطر نقشی که در اداره امور شرکت دارد در مورد شرکت بسیار آگاه است. اصل یا مالک برای اطلاع از این‌که شرکت بر اساس هدف اولیه حداکثرسازی ثروت عمل می‌کند یا نه به اطلاعات افشاشده اتکا می‌کند. لذا هدف اصلی افشای اطلاعات آگاه ساختن سرمایه‌گذاران و مالکان و تحلیل‌گران در ارتباط باکیفیت و ارزش شرکت می‌باشد. اطلاعات نه‌تنها باید صحیح باشد بلکه باید به‌موقع هم باشد تا تصمیم‌گیرندگان را به شکل مناسبی منتفع سازد؛ بنابراین، افشای اطلاعات شرکت می‌تواند به‌صورت فراهم کردن اطلاعات به‌موقع و مربوط که هدف آن رسیدن به شفافیت اطلاعاتی کامل از اقدامات شرکت مانند حاکمیت شرکتی و عملکرد مالی شرکت است، تعریف شود (موسیوکا، ۲۰۱۷). طبق تئوری نمایندگی به دلیل تضاد منافع بین مدیران و مالکان، مالکان در پی انعقاد قراردادهایی جهت کمینه نمودن این تضاد منافع هستند. از سوی دیگر بر اساس تئوری نمایندگی هیئت‌مدیره شرکت‌ها زمانی به افشای اختیاری می‌پردازند که این اقدام موجب افزایش رفاه شخصی آن‌ها شود (نیکلاس و زوراکیس، ۲۰۱۲)؛ بنابراین، انتظار می‌رود که سازوکارهای حاکمیت شرکتی برای تصمیم‌گیری در راستای کاهش هزینه نمایندگی و هزینه قراردادها و جلب اعتماد سهامداران، عاملی برای افشای اطلاعات شرکت باشد.

اندازه هیئت‌مدیره نقش بسزایی در ارتقاء شفافیت اطلاعات شرکت دارد. به‌طور مثال، هرچه تعداد اعضای هیئت‌مدیره در شرکت‌ها بیشتر باشد، باعث افزایش تخصص و منابع در شرکت می‌گردد (هیدالگو و همکاران، ۲۰۱۱). مطابق با تئوری نمایندگی، تعداد اعضای هیئت‌مدیره نقشی حیاتی در اتخاذ تصمیمات راهبردی شرکت‌ها دارد. همچنین با افزایش تعداد اعضا، احتمال افزایش در کنترل مدیریت و تجربه بالای هیئت‌مدیره نیز وجود دارد (ماتوسی و چاکرون، ۲۰۰۸). از سویی دیگر مطابق با استدلال هرمان (۱۹۸۱) هرچه اندازه هیئت‌مدیره نیز بزرگ‌تر باشد به‌احتمال‌زیاد برنامه‌ریزی‌های آن‌ها ناکارآمدتر هستند. لیپتون و لورش (۱۹۹۲) علت ناکارآمدی اعضای بیشتر هیئت‌مدیره را نظارت بر رفتارهای آنان ازجمله برنامه‌ریزی‌های مرتبط با جلسات و دست‌یابی به اجماعی مشترک بیان کردند؛ بنابراین آن‌ها بر این باورند که توانایی نظارت هیئت‌مدیره ممکن است باعث افشای اطلاعات کمتری گردد. آبیسیکرا (۲۰۱۰) و آلیگرینی و گریکو (۲۰۱۳) اظهار کردند که بین اندازه هیئت‌مدیره با افشای داوطلبانه اطلاعات ارتباط مثبتی وجود دارد. همچنین پژوهشگرانی نظیر آرکای و وازکوئیز (۲۰۰۵) و پرادو لارنزو و همکاران (۲۰۱۰) ارتباط ناچیزی بین اندازه هیئت‌مدیره با افشای داوطلبانه اطلاعات یافتند؛ بنابراین، اولین فرضیه پژوهش را چنین مطرح می‌کنیم:

فرضیه اول: بین اندازه هیئت‌مدیره و افشای اطلاعات شرکت ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

مطابق با نظریه نمایندگی مدیران مستقل بر فعالیت‌های هیئت‌مدیره تأثیرگذار است (فاما و جنسن، ۱۹۸۳). با استناد به پژوهش‌های سماها و همکاران (۲۰۱۲) و پاتلی و پرنسیپ (۲۰۰۷) مدیران مستقل از شرکت جهت حفظ اعتبار خود در عرصه بین‌المللی سعی بر افزایش شهرت و ارزش شرکت خواهند بود. گارسیا و همکاران (۲۰۱۰) معتقدند که مدیران مستقل به اعضای هیئت‌مدیره در راستای افشای اطلاعات شرکت فشار می‌آورند تا از این طریق باعث بهبود سیاست گزارشگری شرکت گردند. برخلاف این استدلال، پاتلی و پرنسیپ (۲۰۰۷) براین باورند که ازآنجایی‌که معمولاً مدیران مستقل از سازمان توسط صاحبان سهام منصوب می‌شوند، نقش نظارت مدیران مستقل محدود خواهد بود. لذا تحت این شرایط، بخش اعظمی از مدیران مستقل ممکن است تأثیر منفی بر افشای اطلاعات شرکت داشته باشند (دمب و نوباوئر، ۱۹۹۲). مطالعات صورت گرفته در ارتباط

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

با ترکیب هیئت‌مدیره و افشای اطلاعات شرکت متناقض است و این امر می‌تواند برگرفته از سیستم حاکمیت شرکتی در هر کشور متفاوت باشد. به‌طور نمونه، چانگ و کارتیناى (۲۰۰۶) به ارتباط مثبت بین افشای اطلاعات و ترکیب هیئت‌مدیره دست‌یافتند و در مقابل عبدالسلام و استریت (۲۰۰۷)، اینگ و ماک (۲۰۰۳) تأثیر منفی این ارتباط را نشان دادند. به همین منظور در راستای بررسی این موضوع، فرضیه دوم چنین مطرح می‌شود:

فرضیه دوم: بین استقلال هیئت‌مدیره و افشای اطلاعات شرکت ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

ساختار هیئت‌مدیره ازجمله سازوکارهای مهم حاکمیت شرکتی است که می‌تواند باعث تسهیل تصمیمات نادرست مدیرعامل و کاهش سوءتفاهم‌های بین مدیر و مالک در راستای منافع آن‌ها می‌گردد (پفیفر، ۱۹۸۱؛ کیم و همکاران، ۲۰۰۸). مطابق با چارچوب نظریه نمایندگی، فاما و جنسن (۱۹۸۳) بیان کردند که ساختار یک‌جانبه تصمیمات مربوط به رئیس هیئت‌مدیره و مدیریت تصمیم‌گیری (مدیرعامل) را کاهش می‌دهد. بر این اساس، دوگانگی وظیفه مدیرعامل فرآیند نظارت بر کنترل مستقل هیئت‌مدیره را کاهش می‌دهد (خلیف و ساماها، ۲۰۱۴؛ ساماها و همکاران، ۲۰۱۲؛ کربیونی و پاربونیتی، ۲۰۰۷). از سویی دیگر، مدیرعامل از دانش اطلاعات خصوصی در ارتباط با مزیت رقابتی شرکت و شرایط داخلی آن از آگاهی بالایی برخوردار است. لذا، دوگانگی وظیفه مدیرعامل می‌تواند در خصوص انتقال کامل اطلاعات بین مدیرعامل و اعضای هیئت‌مدیره از طریق کاهش افشای اطلاعات شرکت منجر به محدودیت گردد (کیم و همکاران، ۲۰۰۸). بااین‌وجود، اندرسون و آنتونی (۱۹۸۶) بر این باورند که دوگانگی وظیفه مدیرعامل نقش بسزایی در تدوین و اجرای استراتژی‌های شرکت دارد و این امر باعث کارایی بیشتر خواهد شد. آن‌ها اظهار کردند که یک ساختار رهبری متحد، هزینه‌های اطلاعات و تضاد منافع ناشی از جدایی مالکیت از مدیریت را بین مدیرعامل و رئیس هیئت‌مدیره کاهش می‌دهد. طرفداران نقش دوگانگی وظیفه مدیرعامل در ساختار حاکمیت شرکتی، نقش اقتدار و وحدت رهبری را برای جلوگیری از سوءتفاهم‌ها و بهبود تصمیم‌گیری تأکید می‌نمایند (رهوادیس و همکاران، ۲۰۰۱)؛ بنابراین، دوگانگی وظیفه مدیرعامل ممکن است منجر به افزایش افشای اطلاعات شرکت گردد. بااین‌وجود مطالعات صورت گرفته حاکی از نقش متفاوت دوگانگی وظیفه مدیرعامل با افشای اطلاعات است. به‌طور نمونه، آلگرینی و گرکو (۲۰۱۳) و لی و همکاران (۲۰۰۸) به ارتباط منفی بین آن‌ها دست‌یافتند و هانیفا و کوک (۲۰۰۲) به وجود ارتباط مثبت بین دوگانگی وظیفه مدیرعامل با افشای اطلاعات پرداختند؛ بنابراین، نقش دوگانگی وظیفه مدیرعامل بر افشای شرکت در قالب فرضیه سوم به شرح زیر موردبررسی قرارگرفته است:

فرضیه سوم: بین دوگانگی وظیفه مدیرعامل و افشای اطلاعات شرکت ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

ادبیات مالی از طریق مختلف به سنجش ساختار مالکیت پرداخته است. برخی از مطالعات صورت‌گرفته مالکیت مدیریتی را به عنوان مطالعات داخلی در نظر گرفته‌اند (الویز، ۲۰۱۱؛ آقایی و چالاکی، ۱۳۸۸). مالکیت دولتی در تحقیقات مختلف از طریق میزان درصد سهام متعلق به دولت مورد سنجش قرار گرفته است (آلوتابی و هوساینی، ۲۰۱۶؛ احمد حاجی، ۲۰۱۳؛ ناصر و همکاران، ۲۰۰۶؛ خاشارمه و سووادیان، ۲۰۱۰). برخی از پژوهشگران مالکیت دولتی را به عنوان یک متغیر مجازی مورد اندازه‌گیری کرده‌اند (لی و همکاران، ۲۰۰۸؛ محمدغزالی، ۲۰۰۷؛ لو و ابسهکره، ۲۰۱۴). دولت‌ها همواره به عنوان یک حامی از منافع عموم بایستی آگاهی داشته و از منافع آن‌ها از طریق افشای اطلاعات شرکت حمایت نمایند (محمدغزالی، ۲۰۰۷؛ موتاکین و سوبرامانیام، ۲۰۱۵). لذا این انتظار وجود دارد که مالکیت دولتی بر افشای اطلاعات شرکت تأثیر مثبت داشته باشد. آلوتایی و هوساینی (۲۰۱۶) به ارتباط منفی بین آن‌ها دست‌یافتند. همچنین احمد حاجی (۲۰۱۳)، لو و ابویسکره (۲۰۱۴) و خاشارمه و سویدا (۲۰۱۰) به ارتباط ضعیف بین مالکیت دولتی بر افشای اطلاعات شرکت پرداختند؛ بنابراین، مالکیت داخلی بر افشای اطلاعات شرکت تاثیرگذار است و در قالب فرضیه چهارم مورد بررسی قرارگرفته است:

فرضیه چهارم: بین مالکیت داخلی و افشای اطلاعات شرکت ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

بررسی موارد مربوط به حاکمیت شرکتی از اهمیت بالایی برخوردار است؛ زیرا در ایران حمایت قانونی مناسبی از سرمایه‌گذاران نمی‌شود (هرچند سازمان بورس تلاش بسیاری در این زمینه انجام داده و پیشرفت قابل ملاحظه‌ای نیز وجود داشته است) (ستایش و ابراهیمی میمند، ۱۳۹۳). همچنین نتایج برخی پژوهش‌ها حاکی از عدم رعایت حقوق سهامداران در بورس اوراق بهادار تهران است (بت شکن و رهبری خرازی، ۱۳۸۷). نظام راهبری شرکتی منسجم و ساختار یافته، با ارتقای سطح کیفی اطلاعات و شفافیت نقش مهمی در جهت‌دهی به تصمیمات سرمایه‌گذاران و بازیگران بازار سرمایه دارد. جنسن و مک لینگ (۱۹۷۶) بر این باورند که مالکیت نهادی به عنوان یکی از سازوکارهای اساسی در تغییر رفتارهای مدیران شرکت نقش اساسی دارند و از طریق میزان درصد سهامداران نگهداری شده توسط سهامداران عمده (بالای پنج درصد) تعریف شده است

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

(دموری و ایزدی، ۱۳۹۸). ناصر و همکاران (۲۰۰۶) بر این استدلال هستند که سهامداران نهادی همانند سهامداران اکثریت باعث افشای بیشتر اطلاعات می گردد. به‌طور نمونه، مجید و همکاران (۲۰۱۵) به ارتباط مثبت بین مالکیت نهادی و افشای اطلاعات شرکت دست‌یافتند. در مقابل، لی و ژانگ (۲۰۱۰) و نورهایاتی و همکاران (۲۰۱۶) به ارتباط ضعیف بین مالکیت نهادی و افشای اطلاعات پرداختند. برخلاف این پژوهش‌ها، ناصر و همکاران (۲۰۰۶) و راشد و لاده (۲۰۰۸) شواهدی ضعیف و منفی بین رابطه آن‌ها ارائه کردند؛ بنابراین، فرضیه پنجم پژوهش به صورت زیر تدوین شده است:

فرضیه پنجم: بین مالکیت نهادی و افشای اطلاعات شرکت ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

پیشینه پژوهش

آگی-منسا (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی اثربخشی کمیته حسابرسی، کیفیت حسابرسی و کیفیت افشای داوطلبانه شرکت‌ها با استفاده از یک نمونه متشکل از ۱۴۴ شرکت طی سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۶ پرداخت. نتایج وی حاکی از آن است که یک اثر جایگزین و مکمل بین کمیته حسابرسی و موسسات بزرگ حسابرسی بر کارایی موثر در افزایش کیفیت افشای داوطلبانه وجود دارد. اوکایلی و نویهید (۲۰۱۹) در پژوهشی تحت عنوان تأثیر اثربخشی کمیته حسابرسی و شرکت‌های خانوادگی بر عملکرد شرکت‌ها پرداختند. آن‌ها در پژوهش خود ابتدا به بررسی اثر کمیته حسابرسی بر عملکرد شرکت‌های غیرخانوادگی و سپس فقط در شرکت‌های خانوادگی پرداختند. نتایج آن‌ها نشان داد که ویژگی‌های کمیته حسابرسی تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد شرکت‌های غیرخانوادگی دارد. یولا و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین حاکمیت‌شرکتی و مسئولیت اجتماعی در ۲۷۷ شرکت بیمه پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار بنگلادش طی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۴ پرداختند. نتایج آن‌ها نشان‌دهنده آن است که استقلال هیئت‌مدیره و نسبت مدیران زن با میزان افشای اطلاعات مسئولیت اجتماعی شرکت ارتباط مثبت و معناداری دارد. همچنین نتایج حاکی از وجود ارتباط منفی و معنادار بین مالکیت مدیریتی با میزان افشای اطلاعات مسئولیت اجتماعی شرکت است. سریواستاوا و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی تحت عنوان بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر هزینه سرمایه حقوق صاحبان سهام با استفاده از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس هند پرداختند. نتایج آن‌ها نشان می‌دهد که بین حاکمیت شرکتی و هزینه سرمایه ارتباط منفی معناداری وجود دارد. همچنین نتایج حاکی از وجود رابطه معنادار بین کمیته حسابرسی و هزینه سرمایه است. سوسی و لوکاسون (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین حاکمیت شرکتی و ریسک ورشکستگی در شرکت‌های کوچک و متوسط پرداختند. آن‌ها در پژوهش خود از ۶۷۰۵۸ سال-شرکت و با استفاده از مدل آلتمن و همکاران (۲۰۱۷) به پیش‌بینی ورشکستگی شرکت‌ها پرداخته و برای اندازه‌گیری حاکمیت شرکتی از هفت معیار استفاده کردند. نتایج آن‌ها نشان داد که با افزایش سن مدیرعامل و حضور مالکیت مدیریتی، ریسک ورشکستگی کاهش می‌یابد. همچنین وجود هیئت‌مدیره بزرگ‌تر در شرکت‌ها منجر به ریسک بیشتر ورشکستگی می‌گردد. ساماها و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی اثر هیئت‌مدیره و ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر افشای اطلاعات با استفاده از روش فرا تحلیل برای یک نمونه ۶۴ مطالعه تجربی پرداختند. آن‌ها نشان دادند که اندازه هیئت‌مدیره، دوگانگی وظیفه مدیرعامل و کمیته حسابرسی تأثیر قابل توجهی بر افشای داوطلبانه دارد. علاوه براین، موقعیت جغرافیایی نقش تعدیلی بر ارتباط بین ترکیب هیئت‌مدیره، دوگانگی مدیرعامل و افشای داوطلبانه دارد. همچنین نتایج نشان داد که نوع افشا، روش افشا و سطح محافظت از سرمایه‌گذاران نقش تعدیل‌کننده بر ارتباط بین دوگانگی وظیفه مدیرعامل و افشای داوطلبانه اطلاعات دارد.

مران جوری و رضوانی (۱۳۹۷) در پژوهش خود به بررسی فرا تحلیل در تحقیقات حسابداری پرداختند. نتایج مطالعات مختلف، متغیرهای ساختاری تعدیل کننده در نتایج مطالعات گذشته را شناسایی و قدرت مطالعه را در جهت یافتن نتایج معنادار افزایش می‌دهند. همین خصوصیت سبب شده است که در سال‌های اخیر، تعداد پژوهش‌های مربوط به فراتحلیل‌ها در علوم مختلف افزایش چشمگیری داشته باشد. با توجه به نتایج متناقض مشاهده شده در تحقیقات حسابداری به خصوص در حوزه‌هایی چون حاکمیت شرکتی، گزارشگری مالی و... ضرورت کاربرد این تکنیک در حسابداری پررنگ‌تر شده است. بر این اساس هدف مقاله حاضر معرفی فرا تحلیل و روش شناسی آن در تحقیقات برای محققان حسابداری است. اعتمادی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش خود تحت عنوان فرا تحلیل پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری با یک نمونه از ۵۳ مطالعه مشتمل بر ۷۲۲۶۶ شرکت-سال در دوره زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۷ با ۹۴ تحلیل در میان کشورهای مختلف پرداختند. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که به جز حالت پذیرش داوطلبانه، ارتباط ارزشی ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام در دوره بعد از پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی کاهش داشته است اما

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

اندازه این کاهش، به شرایط قانونی و تجاری حاکم برکشورها بستگی دارد. همچنین، ارتباط ارزشی سود حسابداری، بعد از پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در مجموع با افزایش همراه بوده است، اما بررسی‌های بیشتر حاکی از آن است مربوط بودن سود، بسته به شرایط قانونی و تجاری حاکم بر کشورها، می‌تواند واکنش‌های متفاوتی نسبت به پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی داشته باشد. داداشی و نوروزی (۱۳۹۷) در پژوهشی به ارائه مدلی برای تبیین اثربخشی کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی مبتنی بر معادلات ساختاری با استفاده از یک نمونه متشکل از ۱۱۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۴ پرداختند. اثربخشی کمیته حسابرسی توسط متغیرهای مشاهده‌پذیر تخصص مالی، استقلال، جنسیت، اندازه کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی نیز از طریق متغیرهای مشاهده پذیر درصد سهامداران نهادی، نوع اظهارنظر، تخصص صنعت، اندازه و دوره تصدی حسابرس اندازه‌گیری شد. پس از اطمینان یافتن از برازش قابل‌قبول الگوهای اندازه‌گیری و ساختاری پژوهش، نتایج حاکی از آن است که اثربخشی کمیته حسابرسی، کیفیت حسابرسی مستقل را افزایش می‌دهد. فخاری و رضائی پیته نوئی (۱۳۹۷) در تحقیق خود تحت عنوان تأثیر کمیته حسابرسی بر محیط اطلاعاتی شرکت با استفاده از ۴۱ شرکت که بعد از تصویب دستورالعمل کنترل‌های داخلی در سال ۱۳۹۱ اقدام به تشکیل کمیته حسابرسی کرده‌اند طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۴ پرداختند. نتایج بیانگر آن است که رابطه مثبت و معناداری بین وجود کمیتهٔ حسابرسی و محیط اطلاعاتی شرکت وجود دارد. بعبارتی دیگر با استقرار کمیته حسابرسی در شرکت‌ها محیط اطلاعاتی آن‌ها شفاف‌تر شده و مقدار شاخص افزایش یافته است. گوابری و عسگری (۱۳۹۵) در پژوهشی به بررسی فرا تحلیل حاکمیت شرکتی و مدیریت سود پرداختند. جهت جمع‌آوری اطلاعات از روش چک- لیست به منظور تجزیهوتحلیل دادهها نیز از روش هانتر و اسمیت و با استفاده از آزمون همبستگی و با نرم افزار متاآنالیز استفاده گردید. نتایج تحقیق نشان داد که از بین ۲۰ پژوهش داخلی و خارجی بررسی شده، ۲۵ متغیر قابلیت ورود به فرا تحلیل را داشتند که از مجموع ۲۵ متغیر، ۹ متغیر دارای ارتباط قوی با مدیریت سود (بازده سهام، سود هر سهم، استقلال هییت مدیره، نسبت مدیران غیر موظف، سهامداران نهادی، اندازه شرکت، کارایی مدیریت، مالکیت شرکتی و اهرم مالی)، ۱۴ متغیر دارای ارتباط متوسط با مدیریت سود (مالکیت نهادی، دوگانگی وظیفه مدیر عامل، اندازه هییت مدیره، اتکای بر بدهی، اقلام تعهدی، توانایی حاکمیت شرکتی، کفایت حاکمیت شرکتی، مالکیت نهادی سهام، پاداش هییت مدیره، اقلام تعهدی غیر اختیاری، مالکیت مدیریتی، رشد شرکت، سهامداران نهادی کوتاه مدت و سهامداران نهادی بلند مدت) و ۲ متغیر دارای ارتباط ضعیف با مدیریتسود (تمرکز مالکیت و نفوذ مدیر عامل) شناسایی شدند.

روش شناسی تحقیق

مطابق با هدف پژوهش مبنی بر بررسی، ترکیب و ادغام نتایج متناقض مطالعات متعدد انجام گرفته در زمینه تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی و ویژگی کمیته حسابرسی بر افشای اطلاعات شرکت، این پژوهش از روش فرا تحلیل برای دستیابی به نتیجه‌ای واحد و شناسایی متغیرهای تعدیل‌کننده روابط میان متغیرهای پژوهش استفاده می‌کند. روش فرا تحلیل به مثابه روش مرور کمی، به منظور ترکیب نتایج مطالعات همبستگی با پرسش‌های پژوهشی یکسان درباره موضوعی واحد و کسب نتیجه واحد، اجرا می‌شود. گلاس، رئیس انجمن تحقیقات آموزشی آمریکا و بنیان‌گذار روش فرا تحلیل، در تعریف این روش می‌گوید: «فرا تحلیل، تحلیل تحلیل‌هاست... تحلیل مجموعه بزرگی از نتایج مطالعات منفرد با هدف یکی کردن و ادغام یافته‌ها» (گلاس، ۱۹۷۶). روش فرا تحلیل مکملی برای روش‌های سنتی مرور پژوهش‌ها (همچون مروز روایت‌گونه، روش شمارش آرا و روش ترکیب مقادیر احتمالات) محسوب می‌شود. این پژوهش از نوع پس رویدادی و همبستگی است و هدف اصلی آن، ادغام نتایج مطالعات انجام گرفته به منظور دستیابی به نتیجه‌ای تعمیم پذیر به تمام مطالعات با قلمرو زمانی متفاوت و تعیین دلایل وجود تضاد میان نتایج مطالعات، از طریق تعیین متغیرهای تعدیل‌کننده روابط میان متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش است. یکی از اساسی‌ترین مفاهیم در ادبیات فرا تحلیل، مفهوم اندازه اثر است. اندازه اثر به معنای میزان تأثیر متغیر مستقل بر متغیر وابسته است. اندازه اثر به دو دسته تقسیم می‌شود: اندازه اثر d و اندازه اثر r. تمام تحقیقات حسابداری انجام گرفته با روش فرا تحلیل (احمد و همکاران، ۲۰۱۳)، از شاخص‌های همبستگی اندازه اثر استفاده کرده‌اند. در راستای دستیابی به هدف اصلی پژوهش و اجرای روش فرا تحلیل، شاخص همبستگی اندازه اثر (r)، ابزار اصلی اجرای فرا تحلیل در نظر گرفته شده است که به منظور بررسی روابط بین متغیرها، محاسبه و ارزیابی می‌شود.

جامعه و نمونه‌آماری

به منظور اجرای روش فرا تحلیل، کلیه مطالعات انجام گرفته در زمینه موضوع این پژوهش با استفاده از کلیدواژه‌هایی همچون "حاکمیت شرکتی"، "ساختار مالکیت"، "ساختار هیئت‌مدیره"،

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

"مدیر ارشد اجرایی"، "استقلال و اندازه هیئت‌مدیره"، "مالکیت داخلی و نهادی"، "تمرکز مالکیت"، "استقلال کمیته حسابرسی"، "اندازه کمیته حسابرسی"، "تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی"، "تعداد جلسات کمیته حسابرسی"، "ویژگی کمیته حسابرسی"، "اثربخشی کمیته حسابرسی"، "افشای اختیاری اطلاعات"، "افشای اجباری اطلاعات"، "افشای اطلاعات مالی"، از تارنمای مجله‌های خارجی (مقاله‌های منتشر شده در بازه زمانی ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۹) و پایگاه اینترنتی نشریه‌های علمی پژوهشی داخلی (مقاله‌های منتشر شده طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۸)، به مثابه جامعه‌آماری پژوهش شناسایی و جمع‌آوری شدند. درنهایت، از مجموع ۱۲۴ مطالعه جمع‌آوری شده، فقط مطالعاتی (بادرنظر گرفتن مقاله‌های منتشر شده در مجله‌های معتبر[1] برای مطالعات خارجی نمونه) که متغیر وابسته تمام آن‌ها افشای اطلاعات شرکت بود و ضریب همبستگی خطی پیرسون بین این متغیر و هر یک از متغیرهای حاکمیت شرکتی مدنظر در این پژوهش یا آماره دیگری که به ضریب همبستگی خطی پیرسون تبدیل شود را گزارش کرده‌اند، به روش سرشماری برای واحدهای آماری موردمطالعه انتخاب شدند. این مجموعه از ۶۲ مطالعه انتخابی، مشتمل بر ۴۲ مطالعه خارجی و ۲۰ مطالعه داخلی شکل گرفت. نحوه انتخاب مطالعات نمونه در جدول ۱ مشاهده می‌شود.

جدول ۱. نحوه انتخاب مطالعات مدیریت سود برای انجام فرا تحلیل

تعداد مطالعات اولیه		۱۲۴
مجموع مطالعات خارجی	۱۰۳	
معیارهای حذف مطالعات خارجی:		
مقاله‌های چاپ شده در مجله‌هایی که از اعتبار زیادی برخوردار نبودند	۳۶	
مقاله‌هایی که ضریب همبستگی پیرسون یا آماره تبدیل‌پذیر به آن را گزارش نکرده‌اند	۷	
مقاله‌هایی که با متغیرهای موضوع پژوهش ارتباطی نداشتند	۶	
تعداد نهایی مطالعات خارجی		۴۲
تعداد اولیه مطالعات داخلی	۲۲	
معیارهای حذف مطالعات داخلی:		
مقاله‌هایی که ضریب همبستگی پیرسون یا آماره تبدیل‌پذیر به آن را گزارش نکرده‌اند	۴	
مقاله‌هایی که با متغیرهای موضوع پژوهش ارتباطی نداشتند	۶	
تعداد نهایی مطالعات داخلی	۲۰	
نمونه نهایی		۶۲

متغیرهای پژوهش

در این پژوهش افشای اطلاعات شرکت متغیر وابسته تعیین شده است و سازوکارهای حاکمیت شرکتی در سه گروه ساختار هیئت‌مدیره (استقلال و اندازه هیئت‌مدیره، دوگانگی نقش مدیر ارشد اجرایی)، ساختار مالکیت (مالکیت داخلی، نهادی و تمرکز مالکیت) و کمیته حسابرسی (اندازه، استقلال و تخصص کمیته حسابرسی)، متغیرهای مستقل در نظر گرفته شدند.

روش جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها

پس از جمع‌آوری داده‌های پژوهش (P-valueها و آماره‌های t و F یا کای دوی گزارش‌شده برای هر یک از متغیرها در مطالعات نمونه) به روش کتابخانه‌ای، برای اجرای فرا تحلیل طبقه‌بندی خواهند شد. گام‌های پیموده شده برای اجرای فرا تحلیل به شرح زیر است:

الف) حوزه‌ای برای اجرای فرا تحلیل انتخاب شد که نتایج دوپهلو و متضادی داشتند، سپس هدف و مسئله پژوهش بر اساس موضوع انتخابی تعریف شد.

[1] در این نوشتار از مجله هایی با ضریب تاثیر (JCR) نمایه شده در پایگاه تامسون رویترز (ISI) و همچنین، صد مجله برتر در تارنمای رده بندی مجله های علمی (SJR) استفاده شده است.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

ب) متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش به ترتیب ذکرشده در فوق تعیین شدند.

پ) مطالعات انجام‌گرفته مرتبط باهدف و موضوع پژوهش با در نظر گرفتن محدودیت‌ها، شناسایی و گردآوری شدند.

ت) P-valueها و آماره‌های t و F یا کای دوی گزارش‌شده از روابط میان متغیرهای مستقل و وابسته هر یک از مطالعات استخراج‌شده و برای یکسان‌سازی نتایج مطالعات نمونه، از طریق رابطه‌های ارائه‌شده لیپسی و ویلسون (۲۰۰۱) به اندازه‌های اثر (عناصر اساسی قلمرو فرا تحلیل) تبدیل شدند. در این پژوهش، از ضریب همبستگی خطی پیرسون (r) بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و ویژگی کمیته حسابرسی بر افشای اطلاعات شرکت، به‌مثابه اندازه اثر استفاده شد. اندازه اثر، درواقع، میزان تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته را نشان می‌دهد. رابطه‌های مذکور به شرح زیر خواهد بود:

رابطه ۱) $r = \frac{t}{\sqrt{t^2+df}}$

رابطه ۲) $r = \sqrt{\frac{x^2}{n}}$

رابطه ۳) $r = \frac{\sqrt{F}}{\sqrt{F+n_1+n_2-2}}$

n حجم نمونه هر یک از مطالعات را نشان می‌دهد.

ث) با توجه به نرمال نبودن اندازه اثرهای محاسبه‌شده (همان ضریب همبستگی پیرسون r)، در این مرحله z فیشر (Z_r) معادل هر یک از این ضرایب به کمک رابطه ۴ محاسبه می‌شود، سپس میانگین وزنی آن‌ها ($\overline{Z_r}$) را از طریق رابطه ۵ به دست می‌آید.

رابطه۴) $Z_r = 0.5 \times \ln\left(\frac{1+r}{1-r}\right)$

رابطه ۵) $\overline{Z_r} = \frac{\sum_{i=1}^{k}(n_i-3)\times z_{ri}}{\sum_{i=1}^{k}(n_i-3)}$

K حجم مطالعات مرتبط با هر متغیر و n_i حجم مطالعه iام است.

ج) با تعیین میانگین وزنی ضرایب همبستگی بین متغیرها، نوع و جهت روابط بین متغیرها در فاصله اطمینان مقتضی برآورد خواهد شد (رابطه ۶).

رابطه ۶) $\overline{Z_r} - Z_{\frac{\alpha}{2}} \times \sigma(\overline{Z_r}) \leq Z_\rho \leq \overline{Z_r} + Z_{\frac{\alpha}{2}} \times \sigma(\overline{Z_r})$

چنانچه عدد به‌دست‌آمده صفر شود، ارتباط معناداری میان متغیر مستقل و وابسته نشان نمی‌دهد. در غیر این صورت، ارتباط مثبت یا منفی معنادار میان متغیرها نتیجه می‌شود. نکته حائز اهمیت اینکه به‌منظور تعیین میزان امکان ادغام مطالعات در دست بررسی برای دستیابی به نتیجه واحد، آزمون تجانس مطالعات از طریق رابطه ۷ اجرا می‌شود.

رابطه ۷) $H = \sum_{i=1}^{k}(n_i - 3) \times (Z_{ri} - \overline{Z_r})^2$

مراحل تعیین میزان تجانس ضرایب همبستگی بدین شرح است؛ ابتدا عدد H به‌دست‌آمده از رابطه ۷ با مقدار بحرانی جدول کای دو با درجه آزادی (k-1) مقایسه می‌شود. اگر عدد H کوچک‌تر از مقدار بحرانی جدول باشد، فرض متجانس بودن همبستگی‌ها تائید می‌شود.

د) اگر مقدار H به‌دست‌آمده از مقدار بحرانی جدول بزرگ‌تر باشد، فرض تجانس ضرایب رد می‌شود. در این صورت، مطالعات بر اساس متغیرهای کلیدی که احتمال می‌رود واریانس اندازه‌های اثر نمونه ناشی از آن‌ها باشد، به زیرگروه‌هایی (همچون متغیرهای تعدیل‌کننده) تقسیم می‌شود و گام‌های ذکرشده فوق بار دیگر برای هر یک از آن‌ها به اجرا درمی‌آید، این کار تا جایی ادامه می‌یابد که میان مطالعات تجانسی ایجاد شود. به‌منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش و تعیین متغیرهای تعدیل‌کننده روابط میان متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش، به پیروی از طرح پژوهشی کارسیا-مکا و سانچز (۲۰۰۹) بدین‌گونه عمل می‌شود؛ فاصله اطمینان برآوردی از روابط میان هر یک از متغیرهای مستقل پژوهش و افشای اطلاعات در سطح کل مطالعات بافاصله اطمینان برآورد شده برای هر زیرگروه مقایسه می‌شود. چنانچه فاصله اطمینان زیرگروه‌ها، جهت رابطه به‌دست‌آمده از فاصله اطمینان برآوردی برای سطح کل مطالعات را تغییر دهد، آن زیرگروه متغیر تعدیل‌کننده روابط میان متغیر مستقل و وابسته پژوهش محسوب می‌شود.

یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از اجرای فراتحلیل بر کل نمونه‌آماری، شامل مطالعات داخلی و خارجی در جدول‌های جداگانه‌ای منعکس شده است. در هر جدول، نتایج فراتحلیل انجام گرفته بر کل مطالعات مرتبط با هر متغیر و نتایج مطالعات درون طبقات مرتبط با متغیرهای تعدیل‌کننده، به‌طور جداگانه گزارش شده است.

یافته‌های مرتبط با فرضیه اول تا پنجم پژوهش

از کل ۶۲ مطالعه نمونه، ۳۲ مورد از آن‌ها سازوکار اندازه هیئت‌مدیره را انتخاب کردند و به بررسی ارتباط آن با افشای اطلاعات شرکت پرداختند که نتایج فراتحلیل آن‌ها در جدول ۲ آمده است. فاصله اطمینان مثبت گزارش شده از این تعداد مطالعه (۰/۰۲۳ و ۰/۰۳۶) و همچنین عدد مثبت میانگین Z_r، بیانگر ارتباط مثبت معنادار بین اندازه هیئت‌مدیره و افشای

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

اطلاعات شرکت است. آزمون تجانس میان مطالعات با مقدار ۱۷/۶۵۳ ناهمگونی زیادی را نشان می‌دهد. در طبقه‌بندی انجام گرفته، فاصله اطمینان حاصل از افشای اختیاری اطلاعات (۰/۰۰۶ و ۰/۰۲۱) افشای اجباری اطلاعات (۰/۰۰۳ و ۰/۰۳۸) را نشان می‌دهد. مقایسه فاصله اطمینان زیرگروه‌های علامت و نوع مدل افشای اطلاعات با فاصله اطمینان برآوردی از سطح کل مطالعات مرتبط با اندازه هیئت‌مدیره، حاکی از آن است که بین اندازه هیئت‌مدیره و افشای اطلاعات شرکت ارتباط معنی‌داری وجود دارد. در نتیجه، فرضیه اول پژوهش نیز تایید می‌شود.

جدول ۲. نتایج فراتحلیل مطالعات مرتبط با اندازه هیئت‌مدیره و افشای اطلاعات شرکت

متغیر	حجم نمونه	تعداد مطالعات	میانگین z	فاصله اطمینان ۹۵٪		آزمون تجانس	مقدار بحرانی
	N	K	$\overline{Z_r}$	حد پایین	حد بالا	H	
کل مطالعات اندازه هیئت‌مدیره	۲۷۰۶۳	۳۲	۰/۰۰۶	۰/۰۲۳	۰/۰۳۶	۱۷/۶۵۳	۱۰/۹۶۳
زیرگروه‌های افشای اطلاعات:							
افشای اختیاری اطلاعات	۱۹۶۷۳	۱۸	۰/۰۳۷	-۰/۰۰۶	۰/۰۲۱	۱۶/۶۴۷	۱۳/۷۹۳
افشای اجباری اطلاعات	۱۷۵۳۰	۹	۰/۰۴۶	۰/۰۰۳	۰/۰۳۸	۲۳/۷۴۳	۱۸/۵۲۸
زیرگروه‌های سیستم حاکمیت شرکتی:							
آمریکایی-انگلیسی	۴۶۵۳	۴	۰/۰۱۴	-۰/۰۳۱	۰/۰۴۳	۱۹/۸۸۵	۱۵/۴۲۱
اجتماعی	۳۱۴	۱	۰/۳۰۸	-۰/۰۴۲	۰/۰۵۹	۲۱/۹۳۷	۱۹/۹۰۶
نوظهور	۱۳۸۴۱	۱۰	۰/۰۰۲	۰/۰۳۳	۰/۰۴۱	۲۶/۷۴۱	۲۱/۳۶۶
زیرگروه‌های ساختار مالکیت							
مالکیت داخلی	۳۵۸۴	۳	۰/۰۱۸	۰/۰۲۱	۰/۰۳۹	۶۶/۸۰۹	۲۳/۷۱۵
تمرکز مالکیت	۲۴۱۵	۲	۰/۰۲۵	۰/۰۳۴	۰/۰۴۷	۳۸/۵۰۴	۱۴/۵۰۵
زیرگروه‌های کمیته حسابرسی:							
اندازه کمیته حسابرسی	۱۲۹۰	۱۰	۰/۲۲۹	۰/۰۱۷	۰/۰۲۶	۴۰/۰۷۶	۳۲/۳۱۸
استقلال کمیته حسابرسی	۱۱۹۸	۷	۰/۱۶۲	-۰/۰۰۴	۰/۰۱۲	۲۰/۱۴۵	۹/۵۵۸
تخصص کمیته حسابرسی	۸۰۵	۴	۰/۱۹۸	۰/۰۰۱	۰/۰۰۸	۳۲/۲۴۹	۲۵/۴۴۸

نتایج فراتحلیل ۱۸ مطالعه نمونه‌ای که بر سازوکار استقلال هیئت‌مدیره و تأثیر آن بر افشای اطلاعات شرکت تمرکز کرده‌اند، در جدول ۳ آمده است. فاصله اطمینان مثبت گزارش شده از این تعداد مطالعه (۰/۰۱۶ و ۰/۰۴۳) و همچنین عدد مثبت میانگین Z_r، بیانگر ارتباط مثبت معنادار بین استقلال هیئت‌مدیره و افشای اطلاعات شرکت است. آزمون تجانس میان مطالعات با مقدار ۱۵/۹۱۰ ناهمگونی زیادی را نشان می‌دهد. در طبقه‌بندی انجام گرفته، فاصله اطمینان حاصل از افشای اختیاری اطلاعات (۰/۰۰۸ و ۰/۰۱۲) افشای اجباری اطلاعات (۰/۰۰۵ و ۰/۰۲۲) را نشان می‌دهد. مقایسه فاصله اطمینان زیرگروه‌های علامت و نوع مدل افشای اطلاعات با فاصله اطمینان برآوردی از سطح کل مطالعات مرتبط با استقلال هیئت‌مدیره، حاکی از آن است که بین استقلال هیئت‌مدیره و افشای اطلاعات شرکت ارتباط معنی‌داری وجود دارد. در نتیجه، فرضیه دوم پژوهش نیز تایید می‌شود.

جدول ۴ نتایج فراتحلیل ۲۴ مطالعه از کل مطالعات نمونه را نشان می‌دهد که به بررسی رابطه بین دوگانگی وظیفه مدیرعامل و افشای اطلاعات شرکت پرداخته‌اند. فاصله اطمینان مثبت گزارش شده از این تعداد مطالعه (۰/۰۰۶- و ۰/۰۱۵) و همچنین عدد مثبت میانگین Z_r، بیانگر ارتباط مثبت معنادار بین دوگانگی وظیفه مدیرعامل و افشای اطلاعات شرکت است. آزمون تجانس میان مطالعات با مقدار ۴۱/۶۵۹ ناهمگونی زیادی را نشان می‌دهد. در طبقه‌بندی انجام گرفته، فاصله اطمینان حاصل از افشای اختیاری اطلاعات (۰/۰۰۴- و ۰/۰۴۱) افشای اجباری اطلاعات (۰/۰۰۱- و ۰/۰۰۵) را نشان می‌دهد. مقایسه فاصله اطمینان زیرگروه‌های علامت و نوع مدل افشای اطلاعات

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

با فاصله اطمینان برآوردی از سطح کل مطالعات مرتبط با دوگانگی وظیفه مدیرعامل، حاکی از آن است که بین دوگانگی وظیفه مدیرعامل و افشای اطلاعات شرکت ارتباط معنی‌داری وجود دارد. در نتیجه، فرضیه سوم پژوهش نیز تایید می‌شود.

جدول ۵ نتایج فراتحلیل ۱۵ مطالعه از کل مطالعات نمونه را نشان می‌دهد که به بررسی رابطه بین مالکیت داخلی و افشای اطلاعات شرکت پرداخته‌اند. فاصله اطمینان مثبت گزارش شده از این تعداد مطالعه (۰/۰۰۳- و ۰/۰۲۵) و همچنین عدد مثبت میانگین Z_r، بیانگر ارتباط مثبت معنادار بین مالکیت داخلی و افشای اطلاعات شرکت است. آزمون تجانس میان مطالعات با مقدار ۴۱/۶۵۹ ناهمگونی زیادی را نشان می‌دهد. در طبقه‌بندی انجام گرفته، فاصله اطمینان حاصل از افشای اختیاری اطلاعات (۰/۰۰۰۲- و ۰/۰۳۸) افشای اجباری اطلاعات (۰/۱۱۶ و ۰/۰۴) را نشان می‌دهد. مقایسه فاصله اطمینان زیرگروه‌های علامت و نوع مدل افشای اطلاعات با فاصله اطمینان برآوردی از سطح کل مطالعات مرتبط با مالکیت داخلی، حاکی از آن است که بین مالکیت داخلی و افشای اطلاعات شرکت ارتباط معنی‌داری وجود دارد. در نتیجه، فرضیه چهارم پژوهش نیز تایید می‌شود.

جدول ۳. نتایج فراتحلیل مطالعات مرتبط با استقلال هیئت‌مدیره و افشای اطلاعات شرکت

متغیر	حجم نمونه	تعداد مطالعات	میانگین z	فاصله اطمینان ۹۵٪		آزمون تجانس	مقدار بحرانی
				حد پایین	حد بالا		
استقلال هیئت‌مدیره	N	K	$\overline{Z_r}$			H	
کل مطالعات استقلال هیئت‌مدیره	۳۲۸۷۰	۱۸	۰/۰۰۴	۰/۰۱۶	۰/۰۴۳	۱۵/۹۱۰	۹/۷۴۴
زیرگروه‌های افشای اطلاعات:							
افشای اختیاری اطلاعات	۳۸۱۴	۱۵	۰/۰۲۵	-۰/۰۰۸	۰/۰۱۲	۳۳/۱۲۴	۲۶/۲۴۴
افشای اجباری اطلاعات	۲۳۳۴	۷	۰/۰۳۴	۰/۰۰۵	۰/۰۲۲	۲۹/۳۰۸	۱۹/۷۰۳
زیرگروه‌های سیستم حاکمیت شرکتی:							
آمریکایی-انگلیسی	۴۰۷۶	۹	۰/۰۰۱	۰/۰۰۹	۰/۰۱۸	۶۸/۱۲۸	۳۵/۱۵۳
اجتماعی	۴۸۹	۳	۰/۰۰۳	-۰/۰۴۲	۰/۰۵۲	۵۵/۷۰۴	۴۷/۶۸۸
نوظهور	۱۸۶۵	۵	۰/۰۰۸	۰/۰۳۳	۰/۰۴۹	۳۹/۵۰۵	۳۰/۱۱۲
زیرگروه‌های ساختار مالکیت							
مالکیت داخلی	۱۲۰۷	۶	۰/۱۷۱	۰/۰۱۷	۰/۰۲۳	۸۵/۴۷۶	۵۳/۳۵۶
تمرکز مالکیت	۱۷۰۹	۱۱	۰/۱۶۰	۰/۰۱۲	۰/۰۳۶	۲۷/۰۰۲	۱۸/۳۴۴
زیرگروه‌های کمیته حسابرسی:							
اندازه کمیته حسابرسی	۱۸۴۲	۸	۰/۰۵۲	۰/۰۰۴	۰/۰۱۰	۷۳/۶۶۳	۶۶/۸۳۳
استقلال کمیته حسابرسی	۴۵۶	۴	۰/۰۰۱	-۰/۰۰۳	۰/۰۱۹	۶۳/۲۵۱	۵۲/۷۸۰
تخصص کمیته حسابرسی	۴۸۱	۲	۰/۰۱۲	-۰/۰۰۷	۰/۰۲۲	۵۹/۷۱۴	۴۳/۲۲۶

جدول ۴. نتایج فراتحلیل مطالعات مرتبط با دوگانگی وظیفه مدیرعامل و افشای اطلاعات شرکت

متغیر	حجم نمونه	تعداد مطالعات	میانگین z	فاصله اطمینان ۹۵٪		آزمون تجانس	مقدار بحرانی
				حد پایین	حد بالا		
دوگانگی وظیفه مدیرعامل	N	K	$\overline{Z_r}$			H	
کل مطالعات دوگانگی وظیفه مدیرعامل	۶۳۴۵۹	۲۴	-۰/۱۹۳	-۰/۰۰۶	۰/۰۱۵	۴۱/۶۵۹	۸/۱۳۷
زیرگروه‌های افشای اطلاعات:							
افشای اختیاری اطلاعات	۱۲۹۰	۱۰	-۰/۲۲۹	-۰/۰۰۴	۰/۰۴۱	۴۰/۰۷۶	۹/۳۳۱
افشای اجباری اطلاعات	۱۱۹۸	۶	-۰/۱۶۲	-۰/۰۰۱	۰/۰۰۵	۲۰/۸۸۳	۱۹/۱۴۵

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

متغیر	حجم نمونه	تعداد مطالعات	میانگین z	فاصله اطمینان ٪۹۵		آزمون تجانس	مقدار بحرانی
زیرگروه‌های سیستم حاکمیت شرکتی:							
آمریکایی-انگلیسی	۶۵۲	۴	-۰/۱۹۸	۰/۰۳۴	۰/۰۴۹	۲۱/۳۳۲	۱۹/۳۶۶
اجتماعی	۸۰۵	۶	۰/۱۷۶	-۰/۰۱۰	۰/۰۲۸	۲۹/۵۰۲	۱۴/۳۰۰
نوظهور	۳۱۴۰	۱۰	۰/۱۹۲	-۰/۰۱۸	۰/۰۳۱	۳۶/۱۱۲	۲۳/۹۰۶
زیرگروه‌های ساختار مالکیت							
مالکیت داخلی	۲۴۵۷	۳	۰/۰۰۴	-۰/۳۴۴	۰/۱۴۴	۱۴/۳۳۹	۷/۱۱۹
تمرکز مالکیت	۴۸۲۸	۴	۰/۰۱۹	۰/۰۰۹	۰/۲۲۸	۱۰/۱۵۸	۵/۹۶۶
زیرگروه‌های کمیته حسابرسی:							
اندازه کمیته حسابرسی	۸۸۲۵	۵	۰/۰۱۷	۰/۰۲۹	۰/۰۳۴	۳۱/۸۵۶	۲۵/۱۰۶
استقلال کمیته حسابرسی	۸۶۱۲	۸	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۰/۰۲۷	۲۵/۵۹۹	۱۶/۸۸۰
تخصص کمیته حسابرسی	۷۱۴۵	۳	۰/۰۲۰	۰/۰۳۳	۰/۰۴۴	۱۸/۴۲۰	۱۰/۷۰۵

جدول ۵. نتایج فراتحلیل مطالعات مرتبط با مالکیت داخلی و افشای اطلاعات شرکت

متغیر	حجم نمونه	تعداد مطالعات	میانگین z	فاصله اطمینان ٪۹۵		آزمون تجانس	مقدار بحرانی
مالکیت داخلی	N	K	$\overline{Z_r}$	حد پایین	حد بالا	H	
کل مطالعات مالکیت داخلی	۱۷۶۳۳	۱۵	۰/۰۰۷	-۰/۰۰۳	۰/۰۲۵	۲۷/۹۹۶	۹/۳۳۰
زیرگروه‌های افشای اطلاعات:							
افشای اختیاری اطلاعات	۹۶۵	۵	۰/۰۲۵	-۰/۰۰۰۲	۰/۰۳۸	۵۱/۱۸۵	۱۷/۳۰۷
افشای اجباری اطلاعات	۷۱۲	۳	۰/۱۶۲	۰/۱۱۶	۰/۰۴	۴۴/۹۰۳	۱۲/۱۱۰
زیرگروه‌های سیستم حاکمیت شرکتی:							
آمریکایی-انگلیسی	۴۲۲۸	۳	۰/۰۰۲	۰/۰۲۰	۰/۰۳۶	۱۸/۲۰۲	۹/۰۰۸
اجتماعی	۲۰۴	۱	-۰/۲۰۸	۰/۰۳۳	۰/۰۴۴	۶۷/۶۴۵	۵۱/۵۲۱
نوظهور	۱۲۵۴	۹	۰/۳۱۰	۰/۰۰۴	۰/۰۱۵	۴۰/۳۰۲	۲۰/۷۵۵
زیرگروه‌های ساختار مالکیت							
مالکیت داخلی	۸۸۱۴	۴	۰/۰۱۷	-۰/۰۰۴	۰/۰۰۳۱	۱۸/۲۹۹	۱۵/۹۶۰
تمرکز مالکیت	۶۳۲۵	۱۲	۰/۰۰۲	۰/۰۱۸	۰/۰۳۱۴	۱۶/۳۰۶	۱۰/۷۰۱
زیرگروه‌های کمیته حسابرسی:							
اندازه کمیته حسابرسی	۹۰۶	۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۵	۰/۰۱۴	۱۱/۵۰۱	۴/۱۱۴
استقلال کمیته حسابرسی	۵۳۶۲	۴	۰/۰۰۹	۰/۰۱۲	۰/۰۲۹	۲۳/۶۳۲	۱۱/۰۰۹
تخصص کمیته حسابرسی	۶۸۹۹	۵	۰/۰۰۶	۰/۰۱۴	۰/۰۳۲	۱۶/۰۲۵	۵/۸۰۱

جدول ۶ نتایج فراتحلیل ۱۷ مطالعه از کل مطالعات نمونه را نشان می‌دهد که به بررسی رابطه بین مالکیت نهادی و افشای اطلاعات شرکت پرداخته‌اند. فاصله اطمینان مثبت گزارش شده از این تعداد مطالعه (۰/۰۱۰۵ و ۰/۰۳۴۴) و همچنین عدد مثبت میانگین Z_r، بیانگر ارتباط مثبت معنادار بین مالکیت نهادی و افشای اطلاعات شرکت است. آزمون تجانس میان مطالعات با مقدار ۳۱/۸۷۱ ناهمگونی زیادی را نشان می‌دهد. در طبقه‌بندی انجام گرفته، فاصله اطمینان حاصل از افشای اختیاری اطلاعات (۰/۰۲۳۹ و ۰/۰۳۲۶) افشای اجباری اطلاعات (۰/۰۰۱۶ و ۰/۰۰۶۵) را نشان می‌دهد. مقایسه فاصله اطمینان زیرگروه‌های علامت و نوع مدل افشای اطلاعات با فاصله اطمینان برآوردی از سطح کل مطالعات مرتبط با مالکیت نهادی، حاکی از آن است که بین مالکیت نهادی و افشای اطلاعات شرکت ارتباط معنی‌داری وجود دارد. در نتیجه، فرضیه پنجم پژوهش نیز تایید می‌شود.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

جدول ۶. نتایج فراتحلیل مطالعات مرتبط با مالکیت نهادی و افشای اطلاعات شرکت

متغیر	حجم نمونه	تعداد مطالعات	میانگین z	فاصله اطمینان ۹۵٪		آزمون تجانس	مقدار بحرانی
	N	K	$\overline{Z_r}$	حد پایین	حد بالا	H	
مالکیت نهادی							
کل مطالعات مالکیت نهادی	۶۳۲۸۷	۱۷	۰/۰۲۴	۰/۰۱۰۵	۰/۰۳۴۴	۳۱/۸۷۱	۴/۵۲۰
زیرگروه‌های افشای اطلاعات:							
افشای اختیاری اطلاعات	۲۳۶۲	۴	-۰/۰۸۶	۰/۰۲۳۹	۰/۰۳۲۶	۱۹/۲۵۱	۱۴/۵۰۱
افشای اجباری اطلاعات	۸۲۶۴	۹	۰/۱۲۰۹	۰/۰۰۱۶	۰/۰۰۶۵	۳۱/۸۲۰	۲۴/۷۰۲
زیرگروه‌های سیستم حاکمیت شرکتی:							
آمریکایی-انگلیسی	۱۳۶۲	۴	۰/۰۳۶۶	۰/۱۸۶	۰/۳۰۱	۲۵/۳۸۱	۱۱/۷۰۲
اجتماعی	۲۱۳۰	۷	۰/۰۱۸	-۰/۱۹۹	۰/۰۴۵	۸/۷۵۱	۳/۳۳۹
نوظهور	۱۵۶۴	۳	۰/۰۰۲۴	۰/۰۲۹	۰/۰۵۷	۱۳/۵۵۱	۹/۷۴۴
زیرگروه‌های ساختار مالکیت							
مالکیت داخلی	۱۳۳۲	۵	۰/۱۷۳۵	-۰/۰۴۷۲	۰/۰۹۹۴	۱۶/۲۲۶	۱۳/۵۲۰
تمرکز مالکیت	۳۲۱۴	۸	۰/۵۲۳۴	-۰/۰۴۳۹	۰/۳۹۰۹	۱۴/۱۳۵	۹/۶۳۱
زیرگروه‌های کمیته حسابرسی:							
اندازه کمیته حسابرسی	۵۶۸۲	۴	۰/۰۱۱	۰/۰۳۲۸	۰/۰۴۷۷	۸/۷۷۱	۳/۱۱۴
استقلال کمیته حسابرسی	۶۸۲۲	۷	۰/۰۱۴	۰/۰۲۹۲	۰/۰۳۰۸	۱۵/۸۲۲	۱۲/۱۷۷
تخصص کمیته حسابرسی	۹۶۳۴	۹	۰/۰۲۰	۰/۰۰۱۰	۰/۰۴۹۹	۱۱/۲۸۶	۹/۷۳۰

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این پژوهش به بررسی فراتحلیل تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر افشای اطلاعات شرکت پرداخته‌شده است. یافته‌های به‌دست‌آمده از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان‌دهنده آن است که اندازه هیئت‌مدیره، استقلال هیئت‌مدیره و دوگانگی وظیفه مدیرعامل به‌عنوان سازوکارهای هیئت‌مدیره بر افشای اطلاعات شرکت تأثیرگذار است. همچنین مطابق با نتیجه به‌دست‌آمده از ساختار مالکیت شرکت که شامل مالکیت داخلی و مالکیت نهادی است نشان‌دهنده آن است که مالکیت داخلی و نهادی به‌عنوان سازوکارهای ساختار مالکیت بر افشای اطلاعات شرکت تأثیر مثبت و معناداری دارد. این در حالی است که پژوهش ساماها و همکاران (۲۰۱۵) بر نتایج فرضیه‌های به‌دست‌آمده تأکیددارند.

از سویی نتایج متضاد بین اندازه هیئت‌مدیره و افشای اختیاری اطلاعات وجود دارد. به‌طور نمونه در پژوهش‌های آبیسیکرا (۲۰۱۰) و آلیگرینی و گریکو (۲۰۱۳) ارتباط مثبت و معناداری بین اندازه هیئت‌مدیره و افشای اطلاعات وجود دارد. از طرفی، پرادو لارنزو و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهشی به ارتباط ضعیف بین آن‌ها دست‌یافت و درنهایت با توجه به تحلیل نتایج ۳۲ مطالعه در این زمینه حاکی از وجود ارتباط مثبت و معناداری بین اندازه هیئت‌مدیره و افشای اطلاعات شرکت وجود دارد. نتیجه به‌دست‌آمده را می‌توان این‌گونه مورد استدلال قرارداد که هرچه تعداد اعضای هیئت‌مدیره در شرکت‌ها بیشتر باشد، به‌تبع آن میزان تخصص افراد در شرکت بیشتر و همچنین باعث افزایش در منابع شرکت می‌گردد.

نتایج فراتحلیل ۱۸ مطالعه پژوهش‌های داخلی و خارجی حاکی از وجود ارتباط مثبت و معناداری بین استقلال هیئت‌مدیره و افشای اطلاعات شرکت است. به‌طور خاص، در برخی پژوهش‌های موردمطالعه تأکید خاص بر وجود تأثیرگذاری استقلال هیئت‌مدیره بر افشای اطلاعات شرکت داشتند که ازجمله محققانی نظیر ساماها و همکاران (۲۰۱۲)، ساماها و همکاران (۲۰۱۵) و دهاوی و همکاران (۲۰۱۲) و حیدری و همکاران (۱۳۹۷)، مهدوی و کرمانی (۱۳۹۴) اشاره کرد. همچنین پژوهش‌هایی مبین این ادعا هستند که استقلال هیئت‌مدیره تأثیر منفی بر کیفیت افشای اطلاعات دارد که به‌طورنمونه در پژوهش پاتلی و پرنسیپ (۲۰۰۷) و عبدالسلام و استریت (۲۰۰۷) به ارتباط منفی دست‌یافتند. همچنین دوگانگی وظیفه مدیرعامل به‌عنوان یکی از سازوکارهای هیئت‌مدیره بر افشای اطلاعات شرکت با تحلیل ۲۴ مطالعه از پژوهش‌های مختلف

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

نشان‌دهنده تأثیر منفی دوگانگی وظیفه مدیرعامل بر افشای اطلاعات شرکت است. نتیجه به‌دست‌آمده با توجه به تحقیقات متناقض صورت گرفته نشان‌دهنده آن است که اگر مدیرعامل شرکت، هم‌زمان رئیس هیئت‌مدیره نیز باشد، به این وضعیت دوگانگی وظایف مدیرعامل اطلاق می‌گردد. در این حالت مدیرعامل به‌طور بالقوه اختیار بیشتری دارد و تضاد منافع افزایش می‌یابد. ساختار دوگانه وظایف به مدیرعامل اجازه می‌دهد تا اطلاعات در دسترس سایر اعضای هیئت‌مدیره را به‌طور مؤثری کنترل کند. بنابراین، ممکن است از نظارت مؤثر جلوگیری به عمل آورد. از طرفی، نتایج فرضیه‌های بدست آمده از تاثیر مالکیت داخلی و مالکیت نهادی حاکی از وجود تاثیر مثبت و معنادار بر کیفیت افشای اطلاعات شرکت است. بدین منظور پیشنهاد می شود نتایج حاصل از تاثیر سازوکارهای دیگری همچون ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر افشای سرمایه فکری و افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی از طریق روش فراتحلیل بررسی شود. همچنین اجرای فراتحلیل برای مطالعات انجام گرفته درباره موضوع پژوهش حاضر در سطوح مختلف حاکمیت شرکتی و مقایسه نتایج آن‌ها با افشای سرمایه فکری و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود.

فهرست منابع

* اعتمادی، حسین؛ سپاسی، سحر و احمدیان، وحید. (۱۳۹۶). فراتحلیل پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری.نشریه پژوهش‌های کاربردی در گزارشه ای مالی، دوره ۶، شماره ۲، صص ۱۳۰-۸۵.
* آقایی، محمدعلی و پری، چالاکی. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین ویژگی های حاکمیت شرکتی و مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. تحقیقات حسابداری و حسابرسی، دوره ۱، شماره ۴، صص ۵۴-۷۷.
* بت شکن، محمدهاشم و رهبری خرازی، مهسا. (۱۳۸۷). حاکمیت شرکتی: میزان رعایت حقوق سهامداران در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مطالعات حسابداری، شماره ۲۲، صص ۱-۲۱.
* پورحیدری، امید و حمزه حسین‌پور. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین افشای اجباری و اختیاری با ارزش سهام. مجلهٔ مدیریت و حسابداری چشم‌انداز مدیریت مالی، شمارهٔ ۵، صص۱۲-۲۵.
* تختائی، نصرالله؛ تمیمی، محمد و موسوی، زهرا. (۱۳۹۰). نقش کمیته حسابرسی در کیفیت گزارشگری مالی. مجله حسابدار رسمی، شماره ۱۵، صص ۵۶-۴۵.
* حساس‌یگانه یحیی و محمدجواد سلیمی. (۱۳۹۰). مدلی برای رتبه‌بندی حاکمیت شرکتی در ایران. فصلنامهٔ مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال نهم، شمارهٔ ۳۰، صص ۱-۳۵.
* حیدری، مهدی؛ علی خانی، رضیه و مران جوری، مهدی. (۱۳۹۷). تأثیر استقلال هیئت‌مدیره بر کیفیت افشای اطلاعات اجتماعی در گزارش‌های سالانه. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، دوره ۷، شماره ۲۷، صص ۶۲-۵۱.
* داداشی، ایمان و نوروزی، محمد. (۱۳۹۷). ارائه مدلی برای تبیین اثربخشی کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی مبتنی بر معادلات ساختاری. پژوهش های تجربی حسابداری، دوره ۸، شماره ۲، صص ۲۷۲-۲۵۱.
* دموری، داریوش و ایزدی، مینو. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر رقابت بازار محصول بر رابطه بین تمرکز مالکیت و سیاست تقسیم سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، دوره ۱۱، شماره ۴۲، صص ۲۵۶-۲۲۹.
* ستایش، محمدحسین و ابراهیمی میمند، مهدی. (۱۳۹۳). رابطه بین نوع مالکیت نهادی و کیفیت افشا در بورس اوراق بهادار تهران. مطالعات تجربی حسابداری مالی، دوره ۱۲، شماره ۴۸، صص ۷۵-۵۳.
* فخاری، حسین و رضائی پیته نوئی، یاسر. (۱۳۹۷). تاثیر کمیته حسابرسی بر محیط اطلاعاتی شرکت. حسابداری مدیریت، دوره ۱۱، شماره ۳۶، صص ۷۹-۶۳.
* قربانی، سعید، موحد، مرضیه و محمد منفرد مهارلویی. (۱۳۹۲). رقابت در بازار محصول، ترکیب هیئت‌مدیره و کیفیت افشای اطلاعات: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران. تحقیقات حسابداری و حسابرسی، سال پنجم، شمارهٔ ۱۹، صص ۹۲-۱۰۵.
* کمیته تدوین استانداردهای حسابداری. (۱۳۸۵). استانداردهای حسابداری چاپ هشتم. تهران. انتشارات سازمان حسابرسی.
* گوابری، زهرا امیری و عسگری، محمد هادی. (۱۳۹۵). فراتحلیل حاکمیت شرکتی و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. نهمین کنفرانس بین المللی اقتصاد و مدیریت.
* لاری دشت بیاض، محمود؛ اورادی، جواد. (۱۳۹۵). ویژگی‌های کمیته حسابرسی و حق‌الزحمه حسابرسی شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های تجربی حسابداری، دوره ۶، شماره ۲۲، صص ۶۹-۹۴.
* مران جوری، مهدی و رضوانی، جهانگیر. (۱۳۹۷). فراتحلیل در تحقیقات حسابداری. پژوهش حسابداری، دوره ۸، شماره ۳، صص ۱۴۷-۱۲۵.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

* مهدوی، غلامحسین و کرمانی، احسان. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر استقلال هیئت‌مدیره بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و کیفیت گزارشگری مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. راهبرد مدیریت مالی، دوره ۳، شماره ۴، صص ۲۶-۱.
* نمازی، محمد، رضایی، غلامرضا و علیرضا ممتازیان. (۱۳۹۳). رقابت در بازار محصول و کیفیت اطلاعات حسابداری. مجلهٔ پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز، دورهٔ ششم، شمارهٔ ۲. صص ۱۳۱-۱۶۶.
* Abbott, L.J., Parker, S., Peters, G.F and Raghunanadan, K. (2003). The association between audit committee characteristic and audit fees, PP 17-32.
* Abdelsalam, O. H., & Street, D. L. (2007). Corporate governance and the timeliness of corporate internet reporting by UK listed companies. Journal ofInternational Accounting, Auditing and Taxation, 16, 111–130.
* Abeysekera, I. (2010). The influence of board size on intellectual capital disclosure by Kenyan listed firms. Journal of Intellectual Capital, 11(4), 504–518.
* Agyei-Mensah, Ben Kwame. (2019). "The effect of audit committee effectiveness and audit quality on corporate voluntary disclosure quality", African Journal of Economic and Management Studies, Vol. 10 Issue: 1, pp.17-31.
* Ahmed Haji, A. (2013), "Corporate social responsibility disclosures over time: evidence from Malaysia", Managerial Auditing Journal, Vol. 28 No. 7, pp. 647-676.
* Ahmed, K., Chalmers, K. & Khlif, H. (2013). A meta-analysis of IFRS adoption effects. The International Journal of Accounting, 48(2): 173-217.
* Allegrini, M., & Greco, G. (2013). Corporate boards, audit committees and voluntary disclosure: Evidence from Italian listed companies. Journal of Managementand Governance, 17(1), 187–216.
* Al-Okaily, Jihad, Naueihed, Salma. (2019) "Audit committee effectiveness and family firms: impact on performance", Management Decision.
* Alotaibi, K. O. and Hussainey, K. (2016), "Determinants of CSR disclosure quantity and quality: Evidence from non-financial listed firms in Saudi Arabia", International Journal of Disclosure and Governance, Vol. 13 No. 4, pp. 364-393.
* Alves, S. (2011). The effect of the board structure on earnings management: evidence from Portugal. Journal of Financial Reporting & Accounting, 9 (2): 141-160
* Alzeban, A., & Sawan, N. (2015). The impact of audit committee characteristics on the implementation of internal audit recommendations.
* Anderson, C. A., & Anthony, R. N. (1986). The new corporate directors: Insights for board members and executives. New York, NY: Wiley
* Arcay, M. B., & Vazquez, M. M. (2005). Corporate characteristics, governance rules and the extent of voluntary disclosure in Spain. Advances in Accounting,21, 299–331.
* Azofra, Valentin, Castrillo, Luis and Delgado, Maria. (2007). Ownership Cncentration, Debt Financing and the Investment Opportunity Set as Determinants of Accounting Discretion. Empirical Evidence from Spain. Spanish Journal of Finance and Accounting, Vol. 115, Pp. 215-255
* Beiner, Stefan, Schmid, Mark and Gabrielle Wanzenried. (2011). Product Market Competition. Managerial Incentives and Firm Valuation, European Financial Management, Vol 17, No.15, Pp. 331-336.
* Cerbioni, F., & Parbonetti, A. (2007). Exploring the effects of corporate governance on intellectual capital disclosure: An analysis of European biotechnologycompanies. European Accounting Review, 16(4), 791–826.
* Cheng, E. and S. Courtenay. (2006). Board composition, regulatory regime and voluntary disclosure, International J. of Accounting, Vol. 4, No.5, Pp. 262-89.
* Cheng, E. C. M., & Courtenay, S. M. (2006). Board composition, regulatory regime and voluntary disclosure. International Journal of Accounting, 41(3), 262–289.
* Demb, A., & Neubauer, F. F. (1992). The corporate board. Oxford: Oxford University Press.
* Elfeky, M. I. (2017). The extent of voluntary disclosure and its determinants in emerging markets: Evidence from Egypt. The Journal of Finance and Data Science, Vol. 3, 45-59
* Eng, L., & Mak, Y. (2003). Corporate governance and voluntary disclosure. Journal of Accounting and Public Policy, 22, 325–345.
* Fama, E., & Jensen, M. C. (1983). Separation of ownership and control. Journal of Law and Economics, 26, 301–325
* Forker, J. J. (1992). Corporate governance and disclosure quality. Accounting and Business Research, vol 22, 111-124
* García-Meca, E., & Sánchez-Ballesta, J. P. (2010). The association of board independence and ownership concentration with voluntary disclosure: A meta-Analysis. European Accounting Review, 19, 603–627.
* Giroud, X. and H. Mueller. (2011). Corporate Governance, Product Market Competition, and Equity Prices. The Journal of Finance, Vol.66, No.2, Pp. 563-600.
* Glass, L. V. (1976). Primary, Secondary and Meta-Analysis. Educational Research, 5(10): 3-8.
* Haniffa, R. M., & Cooke, T. E. (2002). Culture, corporate governance and disclosure in Malaysian corporations. Abacus, 38(3), 317–349.
* Hermalin, B. E., and M. S. Weisbach. (2010). Information Disclosure and Corporate Governance. Vol.19, No.4, Pp. 45-62.
* Herman, E. S. (1981). Corporate Control, Corporate Power. New York, NY: Cambridge University Press.
* Hidalgo, R., García-Meca, E., & Martínez, I. (2011). Corporate governance and intellectual capital disclosure. Journal of Business Ethics, 100(3), 483–495.
* Jiambalvo, J., S. Rajgopal, and M. Venkatachalam. (2002). Institutional ownership and the extent to which stock prices reflect future earnings. Contemporary Accounting Research, 19(1): 117-145.
* Khasharmeh, H. and Suwaidan, M.S. (2010), "Social responsibility disclosure in corporate annual reports: evidence from the Gulf Cooperation Council countries",

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

environmental reporting by Indian textile and apparel firms: a test of legitimacy theory", Social Responsibility Journal, Vol. 12 No. 1, pp. 167-189

* Patelli, L., & Prencipe, A. (2007). The Relationship between voluntary disclosure and independent directors in the presence of a dominant shareholder.European Accounting Review, 16(1), 5–33.
* Pfeffer, J. (1981). Power in organizations. Marshfield, MA: Pitman.
* Prado-Lorenzo, J., & Garcia-Sanchez, I. (2010). The role of the board of directors in disseminating relevant information on Greenhouse Gases. Journal ofBusiness Ethics, 97, 391–424.
* Rashid, A. and Lodh, S.C. (2008), "The influence of ownership structures and board practices on corporate social disclosures in Bangladesh", Tsamenyi, M. and Uddin, S., Research in Accounting in Emerging Economies, Emerald Group Publishing Limited, UK, pp. 211-237
* Rhoades, D. L., Rechner, P. L., & Sudramurthy, C. (2001). A meta-analysis of board directorship structure and financial performance: Are "two heads betterthan one"? Corporate Governance: An International Review, 9, 311–319.
* Samaha, K., Dahawy, K., Hussainey, K., & Stapleton, P. (2012). The extent of corporate governance disclosure and its determinants in a developing market:The case of Egypt. Advances in Accounting, 28(1), 168–178.
* Samaha, Khaled, Khlif , Hichem & Hussainey, Khaled. (2015). The impact of board and audit committee characteristics onvoluntary disclosure: A meta-analysis. Journal of International Accounting, Auditing and Taxation, Vol 24, PP 13-28.
* Samuel A. Dipiazza Jr and Robert G. Eccles. (2002). Building public trust, the future of corporate Reporting, Jon Wiley & Sons, Inc, New yorc. Vol. 5, No. 2, Pp. 278-315.
* Srivastava, Varnita, Das, Niladri, Jamini Kanta Pattanayak. (2019). "Impact of corporate governance attributes on cost of equity: Evidence from an emerging economy", Managerial Auditing Journal, Vol. 34 Issue: 2, pp.142-161.
* Süsi, Virgo, Lukason, Oliver. (2019). "Corporate governance and failure risk: evidence from Estonian SME population", Management Research Review, Vol. 42 Issue: 6, pp.703-720.
* Ullah, Md Shahid, Mohammad Badrul Muttakin, Arifur Khan. (2019). "Corporate governance and corporate social responsibility disclosures in insurance companies", International Journal of Accounting & Information Management, Vol. 27 Issue: 2, pp.284-300.
* Wang, M., & Hussainey, K. (2013). Voluntary forward-looking statements driven by corporate governance and their value relevance. Journal of Accountingand Public Policy, 32(3), 26–49.

International Journal of Accounting, Auditing and Performance Evaluation, Vol. 6 No. 4, pp. 327- 345.

* Khlif, H., & Samaha, K. (2014). Internal control quality, Egyptian standards on auditing and external audit delays: Evidence from the Egyptian Stock Exchange. International Journal of Auditing, 18(2), 139–154.
* Kim, K., Al-Shammari, H., Kim, Bongjin, & Lee, S. (2008). CEO duality leadership and corporate diversification behaviour. Journal of Business Research, 62(11),1173–1180.
* Li, J., Pike, R., & Haniffa, R. (2008). Intellectual capital disclosure and corporate governance structure in UK firms. Accounting and Business Research, 38(2),137–159.
* Li, W. and Zhang, R. (2010), "Corporate social responsibility, ownership structure, and political interference: Evidence from China", Journal of business ethics, Vol. 96 No. 4, pp. 631-645.
* Lipton, M., & Lorsh, J. W. (1992). A modest proposal for improved corporate governance. Business Lawyer, 48(1), 59–77.
* Lu, Y. and Abeysekera, I. (2014), "Stakeholders' power, corporate characteristics, and social and environmental disclosure: evidence from China", Journal of Cleaner Production, Vol. 64, pp. 426-436
* Majeed, S., Aziz, T. and Saleem, S. (2015), "The Effect of Corporate Governance Elements on Corporate Social Responsibility (CSR) Disclosure: An Empirical Evidence from Listed Companies at KSE Pakistan", International Journal of Financial Studies, Vol. 3 No. 4, pp. 530-556.
* Matoussi, H., and Chakroun, R. (2008). Board composition, ownership structure and voluntary disclosure in annual reports: evidence from Tunisia. Laboratoire Interdisciplinaire deGestion Universite-Entreprise (LIGUE), pp. 1-28.
* Mohd Ghazali, N.A. (2007), "Ownership structure and corporate social responsibility disclosure: some Malaysian evidence", Corporate Governance: The international journal of business in society, Vol. 7 No. 3, pp. 251-266
* Musyoka, M. N. (2017). Effect of voluntary disclosure on financial performance of firms listed at Nairobi Securities Exchange. Master of Science thesis, KCA University
* Muttakin, M.B. and Subramaniam, N. (2015), "Firm ownership and board characteristics: Do they matter for corporate social responsibility disclosure of Indian companies?" Sustainability Accounting, Management and Policy Journal, Vol. 6 No. 2, pp. 138- 165.
* Naser, K., Al-Hussaini, A., Al-Kwari, D. and Nuseibeh, R. (2006), "Determinants of corporate social disclosure in developing countries: The case of Qatar", Advances in International Accounting, Vol. 19, pp. 1-23.
* Neill, J.D., Stovall, O., Jinkerson, S., Darryl, L. (2011). A critical analysis of the accounting industry's voluntary code of conduct. Journal of Business Ethics, 59(1-2), 101-108
* Nicolas, S.Z. (2012). Voluntry disclosure: evidence from UK.Erasmus University Rotterdam, Viewed 2 June 2015, 83-108.
* Nurhayati, R., Taylor, G., Rusmin, R., Tower, G. and Chatterjee, B. (2016), "Factors determining social and

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

Accounting Knowledge & Management Auditing
Vol. 12/ No. 47/ Autumn 2023

A Meta-Analysis of corporate governance and disclosure information

Behrooz GhasemiPour
PhD student of Accounting, Islamic Azad University, Qeshm International Campus, Science Department, Qeshm, Iran.
Email: ghasemipourbehrooz@yahoo.com

Faegh ahmadi
Department of Financial Management and Accounting, Qeshm Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran
Email: faeyhahmadi@ymail.com

Hamid Reza Vakilifard
Department of Accounting, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
Email: vakilifard.phd@gmail.com

Abstract
In this study, in order to more accurately summarize the contradictory results of several studies conducted on the effect of corporate governance mechanisms on disclosure of company information, meta-analysis method has been used. This method was performed on a sample of 62 studies, including 42 foreign studies in the period 2008 to 2019 and 20 internal studies from 2007 to 1397. Independent variables were considered to be three categories of board of directors (independence and size of board of directors, duality of the role of chief executive officer) and ownership structure (internal ownership and institutional ownership). The results show that among the mechanisms of the board of directors, only the independence and size of the board of directors has a positive and significant effect on the disclosure of company information, and the duality of the CEO's duty has a negative and significant effect on disclosure of company information. On the other hand, the ownership structure has a positive and significant effect on the quality of disclosure of company information.
Keywords: corporate governance, company disclosure, board directors

Archive of SID.ir